

دریچه ۱

## مرور زمان؛

### خلأ قانونی مسئولیت مدنی سردفتر

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۸/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۸/۲۹

بهنوش فلاح‌پیشه\*

تناسب حق و تکلیف از ثمرات قاعده عدل و انصاف است که در تمام آیین‌ها و ادیان مختلف و بین تمام اقوام و ملل، مورد پذیرش و تأکید می‌باشد. قبح تحمیل مسئولیت بدون در نظر گرفتن حقوق یا تحمیل تکلیف بیش از حقوق متقابل و یا مسئول شناختن شخص حتی در مواردی که قصور یا تقصیری متوجه وی نمی‌باشد از چنان صراحتی برخوردار است که علاوه بر شارع مقدس، قانون‌گذاران عرفی نیز با تصویب قوانین و مقررات نسبت به برقراری این تناسب اقداماتی نموده‌اند.

مسئولیت مدنی سردفتر در بسیاری از موضوعات از جمله موارد تکلیف مالایطاقی است که به لحاظ تحمیل مسئولیت ناشی از فعل غیر، قابل انتقاد بوده و دادرس دادگاه در اعمال آن با محدودیت‌های اخلاقی و وجدانی مواجه است چرا که سردفتر در اجرای تکالیف مقرر

\* نویسنده مسئول؛ سردفتر دفتر اسناد رسمی شماره ۱۲۴۴ تهران و عضو هیئت تحریریه ماهنامه «کانون».

با به‌کارگیری عوامل انسانی و ماشین‌آلات مبادرت به تنظیم و ثبت سند می‌نماید، منتها در صورت وقوع هرگونه اشتباه یا خطایی توسط عوامل مذکور، وظیفه پاسخگویی به عهده شخص کارفرما (سردفتر) می‌باشد. سردفتری که به تکلیف قانونی خود در رعایت قوانین و مقررات عمل نموده، به دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های قانونی توجه داشته و در اقدامات خویش همانند متعارف انسان‌ها مبادرت به انجام وظیفه محوله نموده است و در صورت اثبات بی‌احتیاطی یا اشتباه کارکنان در تنظیم سند یا کشف فساد در گواهی‌های ارائه‌شده به دفترخانه، می‌باید پاسخگویی مقامات اداری، دادگاه انتظامی و به‌ویژه ادعای ذی‌نفع سند حتی پس از سپری‌شدن سالیان متمادی از تنظیم آن باشد؛ این‌گونه تحمیل مسئولیت، از آن جهت که با قواعد عدالت و انصاف و آموزه‌های دینی سازگار نیست، مورد انتقاد است که در این مقاله، به‌نحو اختصار، به آن می‌پردازیم.

حدود مسئولیت مدنی سردفتران اسناد رسمی در کدام کلمه و در چه فصلی مأوا می‌گیرد؟! در عصر جدید که فناوری اطلاعات و ارتباطات و تعاملات اجتماعی، مختصات و مقتضیات خاص و پیچیده خود را دارد؛ قوانین و مقررات حقوقی و قواعد عرفی نیز نمی‌تواند از این قاعده مستثنی باشد و یکی از تبعات مهم پیچیدگی قواعد حقوقی، مسئولیت مخاطبین قانون می‌باشد. به‌طوری‌که امروزه به یکی از مباحث مهم مجامع حقوق‌دانان تبدیل شده است. مسئولیت، به‌عبارتی احترام گذاشتن به حقوق فردی و اجتماعی انسان‌ها و جلوگیری از ورود ضرر و در نهایت جبران خسارت به‌نحو اکمل (تام و تمام) در صورت ورود می‌باشد. مسئولیت، علاوه بر محور حقوقی، از دیدگاه اخلاقی نیز قابل بررسی است. زیرا اخلاق، ضرر رساندن به دیگران را نفی و جبران ضرر را بر عامل، لازم می‌داند. در واقع، مسئولیت، نوعی ضمانت اجرا جهت حفظ و صیانت از حقوق فردی و اجتماعی انسان‌ها است. بنابراین در هر مورد که شخص موظف به جبران خسارت دیگری است، می‌گویند در برابر او مسئولیت مدنی دارد یا ضامن است؛ لیکن در این یادداشت، مسئولیت مدنی سردفتران، از زاویه دیگر، مورد بررسی و اظهارنظر قرار می‌گیرد.

در بررسی مسیر تاریخی قواعد حاکم بر مسئولیت دفاتر اسناد رسمی اعم از صاحبان دفتر و سران دفاتر، مواد قانونی مرتبط چنین اشعار می‌دارند:

ماده ۶۸ ق.ث.: «هرگاه سندی به واسطه تقصیر یا غفلت مسئول دفتر از اعتبار افتاده باشد مسئول مذکور باید علاوه بر مجازات‌های مقرر از عهده کلیه خسارت وارده نیز برآید». ماده ۲۲ ق.د.ا.ر.ک. نیز در این رابطه چنین مقرر داشته است: «سردفتران و دفتریاران که در انجام وظایف خود مرتکب تخلفاتی بشوند در مقابل متعاملین و اشخاص ذی‌نفع مسئول خواهند بود. هرگاه سندی در اثر تقصیر یا تخلف آن‌ها از قوانین و مقررات مربوطه، بعضاً یا کلاً از اعتبار افتد و در نتیجه ضرری متوجه آن اشخاص شود، علاوه بر مجازات‌های مقرر باید از عهده خسارات وارده برآیند، دعاوی مربوط به خسارت ناشی از تخلفات سردفتران و دفتریاران تابع قوانین و مقررات عمومی خواهد بود».

بنابراین در صورت بی‌اعتباری سند اعم از این که بی‌اعتباری در نتیجه تقصیر، غفلت یا تخلف از مقررات حاصل گردیده است، بدون تفکیک مسئولیت اشخاصی که در دفاتر اسناد رسمی، امر تنظیم و ثبت سند را برعهده دارند اعم از کاربر رایانه، ثبات، سندنویس یا سایر کارمندان، تمامی مسئولیت را متوجه سردفتر نموده است و دعاوی مربوط به خسارت ناشی از تخلفات آنان، تابع قوانین عمومی می‌باشد. با فرض مسئولیت سردفتر، متضرر و ذی‌نفع حق دارد با مراجعه به دادگاه‌های عمومی و طرح شکایت و ادعا نسبت به جبران زیان وارده دادخواست تقدیم نماید و دادگاه نیز در اجرای مواد ۲ و ۳ قانون مسئولیت مدنی: «در موردی که عمل واردکننده زیان موجب خسارت مادی یا معنوی زیان‌دیده شده باشد دادگاه پس از رسیدگی و ثبوت امر او را به جبران خسارت مزبور محکوم می‌نماید...» و «دادگاه میزان زیان و طریقه و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین خواهد کرد...»؛ رسیدگی و اتخاذ تصمیم خواهد نمود. البته دامنه مسئولیت سردفتر به همین جا ختم نمی‌شود بلکه با تصریح ماده ۲۳ ق.د.ا.ر.ک. که مطابق آن سردفتر مسئول کلیه امور دفترخانه است و دفتریار اول مسئول اموری است که به موجب مقررات به عهده وی محول شده و یا از طرف سردفتر در حدود مقررات انجام آن امور به او ارجاع می‌شود که در مورد اخیر، سردفتر و دفتریار مسئولیت مشترک خواهند داشت که این نتیجه حاصل می‌گردد که گستره مسئولیت از آن‌هم فراتر رفته است و تمام وظایفی که به موجب مقررات و قوانین و نظام‌نامه‌های مختلف برعهده

دفترخانه گذارده شده است، در واقع وظایف قانونی سردفتر محسوب می‌شوند و در نتیجه، تمام مسئولیت‌هایی که در این میان می‌توان متصور شد متوجه سردفتران می‌باشد و چون انجام امور در دفترخانه براساس تقسیم کار از قبیل: ثباتی، سندنویسی و بایگانی و غیره برعهده کارمندان می‌باشد و سردفتر به دلیل عدم توانایی انجام تمام امور، مبادرت به استخدام کارکنانی می‌نماید که در قبال دریافت حقوق، مسئولیت کار خویش را بپذیرند و به حکم قاعده فقهی «من له الغنم فعلیه الغرم»؛ هرکس که منافی کسب می‌نماید باید غرامت متصوره و ناشی از آن را نیز بپردازد. لذا مسئولیت قراردادی در اجرای وظیفه محوله ناظر به هر یک از کارمندان دفترخانه است و شخص سردفتر تنها مدیریت مجموعه را برعهده دارد و از باب اداره و مدیریت دفترخانه، در صورت بروز خسارت یا مسامحه در نظارت بر کار کارمندان، صرفاً مسئولیت دارد.

لذا مطابق قواعد عدالت و انصاف، تحمیل مسئولیت بر شخصی که هیچ‌گونه نقشی در وقوع فعل مستوجب جبران خسارت نداشته؛ اولاً عین بی‌عدالتی است و ثانیاً از آنجا که سردفتر از نیت کارمندان بی‌اطلاع می‌باشد لذا پاسخگویی به اعمال کارکنان و قبول مسئولیت تخلفات غیر، عادلانه و منطقی نمی‌باشد و یادآور حکایتی دیگر از حکایت دیوان بلخ<sup>۱</sup> است.

لذا آنچه منطقی و معقول به نظر می‌رسد در موارد عدیده تنها مسئولیتی که می‌تواند متوجه سردفتر شود اهمال و سهل‌انگاری صرفاً در اداره دفترخانه است که تخلف انتظامی بوده و ارتباطی به مسئولیت ندارد و با عنایت به وابستگی دفاتر اسناد رسمی به قوه قضائیه و تأکید بر رسالت عظیم این قوه در اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت می‌باشد که جا دارد این قوه عدالت‌گستر با توجه به مسئولیت خطیر سردفتری با پشتیبانی از حقوق فردی این صنف نسبت به بازنگری در قوانین و مقررات

۱. دیوان بلخ، کنایه از مرجعی است که تصمیم براساس حق و عدالت نباشد و در این جا، کنایه از تحمیل بی‌حد و حصر مسئولیت سردفتر، آن هم ناشی از فعل کارمندان و اسباب و ابزار به کار گرفته در دفترخانه می‌باشد.

مربوط اقدام نماید. به جرأت می‌توان گفت که این منصب یکی از اقل مناصبی می‌باشد که در انجام آن، مسئول مربوطه علاوه بر احراز شرایط لازم مکلف به دانستن و اجرای قوانین و مقررات و نظام‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های مختلف مربوطه می‌باشد که از این نقطه نظر هم باز تناسبی میان مسئولیت محوله و دریافت مقرری معین (حق‌التحریر) و امنیت شغلی دیده نمی‌شود. سردفتران از زمان شروع به کار تا به امروز از اعتبار و حیثیت اجتماعی خاص در جامعه برخوردار بوده‌اند و لیکن دایره گسترده و رو به فزونی مسئولیت‌های قانونی، الزامات عرفی و قراردادی مرتبط با این شغل بسیار خطیر و باز تأکید مؤکدی بر عدم تناسب بین میزان مسئولیت بالاخص مسئولیت مدنی و حقوقی از یک طرف و دریافت حق‌التحریر تعیین شده توسط قوه قضائیه و اجرای مجموعه مقررات تکلیفی اعم از قوانین، آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها از طرف دیگر، نشانگر نامتناسب بودن مسئولیت سردفتران در مقایسه با سایر مشاغل هم‌ردیف و هم‌عرض از لحاظ تخصصی و علمی مانند قضاوت و وکالت دادگستری می‌باشد به صورتی که قانون‌گذار برای شاغلین فعالیت حرفه‌ای قضاوت، وکالت و سردفتری، فعالیت توأمان در شغل دیگر را منع نموده و اختیار این شاغلان را محدود و منحصر به گزینش یکی از مشاغل مزبور دانسته است.

حال، با در نظر گرفتن موقعیت ممتاز و شأن و منزلت اجتماعی قضات محترم دادگستری در جامعه و استقلال عمل قاضی و اختیارات وسیع و النهایه مصونیتی که شرع مقدس و قانون برای این منصب در نظر گرفته و لحاظ تفاوت محسوس میان مسئولیت خطیر سردفتر اسناد رسمی و قاضی در زمانی که قاضی نسبت به جبران خساراتی که از تصور و اشتباه وی که برای هر انسانی ممکن می‌باشد ناشی شده و باعث گردیده تا به فرض فردی به ناحق مجازات شود یا حیثیت شخص آبرومندی خدشه‌دار گردد، مسئول نبوده و متضرر نمی‌تواند نسبت به وی ادعایی مطرح نماید؛ در حالی که سردفتر اسناد رسمی با در نظر گرفتن ماهیت انسانی یکسان با یک قاضی، دارای مسئولیت بی‌حد و مرز و تعریف نشده بوده و هیچ‌گونه مصونیتی ندارد و موظف است حتی در مواردی که سهواً خطایی را مرتکب شده، جبران خسارت نموده و زیان زیان دیده را بپردازد و باید در نظر

داشته باشیم با توجه به پیشرفت روزافزون تکنولوژی در زمینه صنعت چاپ امروزی آن هم در کیفیت بسیار بالا و سهولت دسترسی همگان به این فن آوری و امکان ارائه اسناد جعلی که تشخیص آن‌ها نیز حتی برای کارشناسان خبره این فن هم به راحتی ممکن نمی‌باشد، باز شاهدی ممتاز است در عدم تناسب میان مسئولیت مدنی سردفتران و میزان مزایا و عایدی آنان؛ و به بیان روشن‌تر باید تصریح کرد صاحبان این منصب فقط در حد توانایی یک انسان و در حوزه تخصصی خود به همراه تجربیات شغلی و علمی و عملی خود باید پاسخگو و مسئول باشند و زمان آن رسیده است که با وضع مقرراتی حداقل برای مسئولیت مدنی سردفتر قائل به مرور زمان باشیم؛ مرور زمان متعارفی که پس از انقضای آن مدت، دعوی شنیده نمی‌شود! در حقیقت، اگر تعقیب یا مجازات مجرمی پس از ثبوت و گذشت مدت زمان طولانی به برقراری نظم عمومی و اعاده آن کمک نکند بلکه موجب بی‌نظمی شود و برای جلوگیری از اختلال نظام و رعایت مصالح برتر می‌توان با استفاده از قاعده مرور زمان، آن پرونده‌ها را از جریان رسیدگی خارج نمود و در حقیقت، قبول وجود مرور زمان یک ضرورت علمی است؛ نه یک ضرورت حقوقی که براساس قواعد ناظر به مصلحت اجتماعی می‌باشد و با رفع اشکالات اجرایی، مقررات مزبور را اصلاح نمایند و نهایتاً اعمال قواعد مرور زمان، باعث تناسب مسئولیت‌ها و جلوگیری از طرح دعاوی مختلف در مراجع قضایی می‌گردد که خود ضمن ایجاد انگیزه، زمینه اقبال عمومی را به ثبت رسمی اسناد در دفاتر اسناد رسمی فراهم کرده و جامعه از آرامش نسبی بهره‌مند می‌گردد. چرا که ثبت رسمی اسناد تنها به آثار حقوقی آن که به رسمیت و قابلیت اجرا و اعتبار بخشیدن به اسناد تنظیمی می‌باشد، خلاصه نمی‌شود بلکه آثار مادی و معنوی و روانی و اقتصادی و قضایی و اجتماعی قابل توجهی برای پیشرفت کشور داشته و جامعه را به سوی نظم و ثبات و استحکام بیشتر تعاملات و اسناد، هدایت و موجبات آرامش و آسایش فکری را برای تک تک افراد جامعه فراهم می‌سازد.